

شکوه ۲۲ خرداد و سیاست خارجی

سید رسول موسوی

جمعه ۲۲ خردادماه ۸۸ صفحه دیگری از کتاب حماسه پرشکوه انقلاب اسلامی ورق خورد. مردم ایران با حضور میلیونی خود در پای صندوق‌های رأی مشارکت بی‌نظیر خود را برای انتخاب دهمین رئیس‌جمهور نشان دادند. انتخاباتی پرشور که از اولین ساعات شروع رأی‌گیری تا آخرین دقایق لحظه‌ای حوزه‌ها خالی از جمعیت نشد و تمدید ساعات رأی‌گیری هم نتوانست تمامی آرا را جمع کند.

مردمی که پای صندوق‌های رأی آمدند می‌دانستند که باحضور خود آزادی را نهادینه می‌کنند، مبانی مردم‌سالاری را در نظام جمهوری اسلامی ایران تحکیم می‌بخشند، انتقال قدرت سیاسی را قانونمند می‌کنند، زمینه‌های چرخش نخبگان و مدیران اجرایی را فراهم می‌سازند، فرهنگ سیاسی جامعه را تقویت می‌کنند و بالاخره خردگرایی و روش‌های عقلانی را بر رفتارهای جمعی حاکم می‌نمایند. تصویر آنچه در ۲۲ خردادماه شاهد بودیم با آنچه تشریح کردیم تفاوتی ندارد و اگر بعد از ۲۲ خردادماه به دلایلی که در اینجا ضرورتی به ذکر آنها نیست با تصویر دیگری از واقعیت‌ها روبه‌رو شدیم، این رخداد در پاکی و شفافیت تصویر ۲۲ خردادماه تأثیری نداشته و در این تداخل صحنه‌ها آنچه اصل است صحنه ۲۲ خرداد می‌باشد که قریب به چهل میلیون نفر و بالاترین حد نصاب مشارکت یعنی ۸۵ درصد حائزین شرایط رأی دادن را پای صندوق‌ها آورد و این دقیقاً موضوعی است که سیاست خارجی باید آن را دریابد و متنی است که باید گفتمان غالب انتخابات ۸۸ باشد. بیان این گزاره به معنی بی‌توجهی به واقعیت‌ها نیست بلکه توجهی عمیق‌تر به حقایقی است که شالوده اهداف و رسالت سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد.

در تفکر سیاسی سنتی این‌گونه گفته می‌شود که سیاست خارجی بازتاب سیاست داخلی است در حالی که در تفکر سیاسی نوین سیاست خارجی نه‌تنها یک متغیر وابسته نیست بلکه یک شاخص و یک عامل تأثیرگذار در امور داخلی دولت‌ها محسوب می‌شود. تفاوت تفکر سنتی و کهن با تفکر نوین سیاسی درباره سیاست خارجی این است که یک سیاست خارجی خوب نه‌تنها می‌تواند جدای از عوامل داخلی برنامه‌ریزی و اجرا شود بلکه می‌تواند بر روند تحولات داخلی یک کشور آثار مثبتی برجای گذارد.

در مقطع کنونی دستگاه سیاست خارجی کشور نه‌تنها مسئول است تا اجازه ندهد برخی حرکت‌های ناصواب داخلی بر روند سیاست خارجی و دیپلماسی کشور اثر سوء بگذارد

بلکه مسئولیت مضاعفی دارد تا با برنامه‌ریزی و اجرای یک دیپلماسی موفق بر تحولات داخلی اثر مثبت داشته باشد. امروزه چالش‌های بزرگی در برابر سیاست خارجی کشورمان قرار دارد. مدیریت دیپلماسی هسته‌ای و تلاش برای بازگرداندن پرونده هسته‌ای کشور به سیر طبیعی خود یعنی خارج‌سازی آن از شورای امنیت سازمان ملل متحد و بازگرداندن آن به آژانس، مقابله با تحریم‌های ناعادلانه، مدیریت روابط پیچیده با غرب خصوصاً چگونگی تعامل با آمریکا و چگونگی رابطه با اروپا، تنش‌زدایی و اعتمادسازی در منطقه و گسترش روابط با همسایگان همزمان مقابله با سیاست‌های تجاوزکارانه و پافشاری بر خروج نیروهای بیگانه از منطقه و پیشبرد دیپلماسی اقتصادی در راستای برنامه توسعه کشور از جمله مهم‌ترین چالش‌ها و موضوعات سیاست خارجی کشور محسوب می‌شوند.

در نگاه سنتی به سیاست خارجی دستگاه دیپلماسی با نگاه به معادلات داخلی نقشی منفعلانه در برابر چالش‌ها پیدا می‌کند. اما در نگاه نوین به سیاست خارجی این باور وجود دارد که هر گام مثبت در سیاست خارجی و کسب موفقیت در آن بر تنظیم و مدیریت برنامه‌های داخلی آثار مثبت تعیین‌کننده‌ای دارد. سیاست خارجی عرصه انتخاب است و هنر بزرگ یک دیپلمات افزایش گزینه‌های انتخاب است و به هر میزان که امکان جدید برای گزینه‌های مختلف و متفاوت بیشتر خلق گردد احتمال موفقیت سیاست خارجی بیشتر می‌شود. با چنین رویکردی به سیاست خارجی بدیهی است که انتخاب ما از تصویر داخلی کشور برای انعکاس در خارج یک بحث عقلانی می‌شود که با در نظرداشتن امنیت ملی و منافع عالی کشور انتخاب می‌گردد. معنی چنین استنتاجی در عرصه واقعیت‌ها آن است که تأکید سیاست خارجی بر حماسه ۲۲ خردادماه و گذر از برخی ناملایمات پس از آن یک بحث عادی نیست بلکه ضرورتی است که کل دستگاه سیاست خارجی و مدیران و دست‌اندرکاران باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند و همان‌گونه که اجازه نمی‌دهند سیاست خارجی دیگر کشورها بر روندهای داخلی کشورمان اثر بگذارد اجازه ندهند موضوعات صرفاً داخلی بر سیاست‌ها و رفتارهای خارجی ما اثر بگذارند و تلاش شود تا مسائل داخلی در پشت دیوارهای وزارت خارجه بماند و وزارت خارجه نظام‌مندانه اهداف سیاست خارجی را برای حفظ و حراست از امنیت ملی و منافع عالی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران به اجرا گذارد.